

## ((سمنفی پاتتیک))

## اثر چایکوسکی

چایکوسکی سمنفی ششم یعنی آخرین سمنفی خود را که معروف به « پاتتیک » است در سال ۱۸۹۳ که آخرین سال عمرش بود تصنیف کرد .

این سمنفی که بزرگترین اثر اوست در مدت پنج هفته طرح ریزی شد و از کسترسیونش با تمام رسید . در چنین زمانی که شهرت چایکوسکی عالمگیر و قریحه او بحد کمال رسیده بود بدعوت یکی از دانشکده های بزرگ انگلستان بلندن عزیمت نمود و بدریافت درجه دکتری افتخاری نائل گشت و از روی نامه ای که برای یکی از آشنایانش در همان سال فرستاده است باسانی می توان فهمید که در ضمن مسافرت این اثر را بوجود آورده است :

« در ضمن مسافرت فکرا ایجاد سمنفی تازه ای بمن الهام شد . یک سمنفی برنامه ای که بشماره ۶ موسوم خواهد شد . با برنامه ای که برای همه معنائی خواهد شد و برای بی بردن بآن خود را بزحمت خواهند انداخت »

چایکوسکی با آنکه خواسته است این اثرش « برای همه معنائی باشد » باز خود تفسیری بر آن نوشته است :

« موضوع اصلی این سمنفی زندگی است . قسمت اول باید کوتاه باشد و نشانه شور و هیجان و امید و آرزوست تفسیر قسمت دوم عشق است و مضمون قسمت سوم ناکامی و شك است که با قسمت چهارم (مرك) موضوعش تمام میشود . قسمت چهارم هم باید کوتاه باشد . » و پس از مراجعت از انگلستان در نامه ای مینویسد :

« من اندوهی را که از دوری وطن بمن دست داده است نمی توانم تشریح کنم ولی در سمنفی من پاسازی وجود دارد که این رنج را بخوبی می نمایاند »

نخستین قسمت سنفنی پاتتیک ( این نام را برادر چایکوسکی  
بروی این اثر نهاده است ) بروی دو تم **Thème** بنا و با حرکات تند  
**Allegro** و آرام **Andante** نشان داده شده است.

قسمت اول سنفنی پاتتیک با مقدمه نسبتاً کوتاهی بوسیله فاگت  
آغاز میگردد ( تم اولی نیز کم و بیش شنیده میشود )

بعد از مقدمه کوتاهی همان تم اصلی بتفصیل بسط و تغییر مییابد  
و در بین آنها صوتهای متنوعی شنیده میشود قسمت مسلامی مرکب از  
دو تم است

که کم کم تند میشود و تم اولی باشور و هیجانی که خود  
چایکوسکی میخواسته بگوش میرسد و تم تازه قسمت انتهائی بوسیله  
سازهای زهی و فلزی نواخته میشود و موومان اول پایان میرسد . این  
قسمت همانطوری که نظر منصف بوده کوتاه است .

موومان دوم ( **Allegra Congrazia** ) هم که در حقیقت یک  
اسکرتو **Scherzo** می باشد مرکب از دو تم اصلی است که بسیار زیبا  
و شنیدنی است و مضمون آن عشق است

موومان سوم بنوشته خود چایکوفسکی « ناکامی ، شک و  
اضطراب است » .

سراسر موومان عبارت از یک مارش زیباییست که در آخر بساوج  
شدت **Fortissimo** می رسد ، تنها تم اصلی موومان پس از یک تغییر و تعویض  
آهنگ بوسیله کلارینت بگوش میرسد .

در این موومان فکر مصنف بهترین وجهی عملی شده است و  
اضطراب و تشویش را شنونده بخوبی می تواند درک نماید .

موومان چهارم این قسمت ( **Finale** ) بسیار آرام است تم  
اصلی بوسیله ویلون نواخته میشود که بروی وزنه های سه چهارم بنا شده  
است و بعد بشکل دیگری تبدیل میشود و کم کم وزن آن تند میشود .

و پس از یک کام ، تم اصلی باز بگوش میرسد و موزیک حالت  
آرام خود را از دست می دهد و در آخر با یک کشش طولانی و در عین حال آرام  
پایان میرسد .

سنفنی پاتتیک بیش از سایر آثار چایکوسکی مورد علاقه او  
بود و در یکی از نوشته هایش این موضوع را اقرار کرده بود :

## ۲۲ فوریه

### روز تأسیس قوای نظامی شوروی

پاده ناب طب دارم از آن ساغر سرخ  
تا بنوشم بی فتنح و ظفر لشکر سرخ  
گر نبود این سپه خصم کش و خلق بناه  
کی امان یافتی آن کشور پهناور سرخ  
ما بجز قبله زحمت نشناسیم دری  
خانه ماست همان خانه که دارد در سرخ  
گر مرا مدعی از قهر بسوزد صد بار  
شعله سرخ بجا مساند و خاکستر سرخ  
زین سیاهی که بدامان وطن بنشسته است  
کی شود پاک مگر شعله کشد اخگر سرخ  
کارگر را که بپا خاسته چون سیل دمان  
نه دگر بمب توان چاره کند نی زر سرخ  
چه عجب ظالم اگر غرقه بخون خواهد شد  
چون که این سیل گذر میکند از بستر سرخ  
بعد از این نوبت مسار نچیران خواهد بود  
ای خوش آندم که سراز شوق زنداختر سرخ  
رتال جامع علوم انسانی - اردشیر ۱۳۲۸

«من بدون نردید این سنفنی را بهترین و صادقانه ترین انر خود  
می دانم و آنرا از دیگران بیشتر دوست دارم»  
در تمام نوشته های منقدین بزرگ جهان موسیقی ، این سنفنی  
تقریباً شوم تلقی شده است و چنانکه می گویند اجرای سنفنی پاتتیک از  
نخستین بار باوقایع ناگواری همراه بوده است .